

نویسندگان: داوید وین و تیریسایا «ایسا» اریولا (David Vine -theresa ...)
منبع و تاریخ نشر: انتی وار «2024-06-06»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

مجتمع نظامی-صنعتی همه ما را می کشد

The Military-Industrial Complex Is Killing Us All

رهایی خویش از هیولایی که سیاره و آینده ما را نابود می کند

Freeing Ourselves from the Monster Destroying Our Planet and Our Futures



ما باید در مورد آنچه بمب ها در جنگ انجام می دهند صحبت کنیم. بمب ها گوشت را خرد و خمیر می کنند. بمب ها استخوان ها را می شکنند. بمب ها تجزیه می شوند. بمب ها باعث می شوند مغز، ریه ها و سایر اندام ها به قدری تکان بخورند که خونریزی کنند، پاره شوند و از کار بیفتند. بمب وجود رازخمی می کند بمب ها هر چیزی را می کشند. بمب ها نیز خود نابود می شوند.

بمب ها نیز مردم را ثروتمند می کنند. وقتی که یک بمب منفجر می شود، کسی سود می برد. و وقتی کسی سود می برد، بمب ها قربانیان نادیده بیشتری می گیرند. هر دلاری که برای یک بمب خرج می شود یک دلار است که برای نجات یک زندگی از یک مرگ قابل پیشگیری هزینه نشده است، این دلاری است که برای درمان سرطان هزینه ویا مختص نشده است، دلاری است که برای آموزش کودکان هزینه نشده است. به همین دلیل است که مدت ها پیش، ژنرال پنج ستاره بازنشسته و رئیس جمهور **دوایت دی. آیزنهاور** به درستی هزینه های بمب و همه چیزهای نظامی را «زدی» نامید.

عامل آن زدی شاید نادیده گرفته ترین نیروی مخرب جهان باشد. این امر بدون توجه به بسیاری از مشکلات بزرگ در ایالات متحده و جهان امروز ظاهر می شود. **آیزنهاور** در سخنرانی خداحافظی خود در سال «1961» به آمریکایی ها در مورد آن هشدار داد و برای اولین بار آن را «مجتمع صنعتی-نظامی» یا MIC نامید.

با این واقعیت شروع کنید که به لطف توانایی MIC برای ربودن بودجه فدرال، کل هزینه های نظامی سالانه بسیار بیشتر از آن چیزی است که اکثر مردم تصور می کنند: حدود { **1,500,000,000,000 دلار** } (1.5 تریلیون دلار). برخلاف آنچه که MIC ما را به آن می ترساند، این رقم بزرگ غیرقابل درک به طرز وحشتناکی با چند تهدید نظامی که ایالات متحده با آن مواجه است، تناسب ندارد. یک و نیم تریلیون دلار تقریباً دو برابر هزینه ای است که کنگره سالانه برای همه اهداف غیرنظامی در مجموع هزینه می کند.

«زدی» نامیدن این انتقال عظیم ثروت، اغراق آمیز نیست، زیرا برگرفته از وجوه که باید تخصیص داده میشد مثلاً بخاطر نیازهای ضروری مانند پایداری به گرسنگی و بی خانمانی، ارائه کالج و پیش دانشگاهی رایگان، ارائه مراقبت های بهداشتی همگانی، و ایجاد زیرساخت و تامین انرژی سبز برای نجات خود از آب و هوا است. تغییر دادن تقریباً هر مشکل عمده ای که توسط منابع فدرال لمس می شود، می تواند با کسری از پول نقد ادعا شده توسط MIC بهبود یا حل شود. پول آنجاست.

بخش عمده ای از دلارهای مالیات دهندگان ما توسط گروه نسبتاً کوچکی از سودجویان و شرکت های جنگ طلب به رهبری پنج شرکت بزرگ سودآور از صنعت جنگ مصادره می شود: مانند **لاکهد مارتین**، **نورثروپ گرومن**، **ریتون (RTX)**، **بونینگ** و **جنرال داینامیکس**. همانطور که این شرکت ها سود می برند، این MIC است که تخم ویرانی های نامفهومی را در سطح جهانی کاشته است و ایالات متحده را درگیر جنگ های بی پایانی نگه می دارد که از سال 2001 تاکنون حدود (4.5) میلیون نفر را کشته، وده ها میلیون نفر دیگر را زخمی کرده است و حداقل 38 میلیون نفر دیگر ناشی از این جنگ ها آواره شده اند.

پروژه هزینه های جنگ دانشگاه براون.

سلطه پنهان MIC بر زندگی ما باید پایان یابد، به این معنی که ما باید آن را از بین ببریم. این ممکن است کاملاً غیر واقعی، و یا حتی خارق العاده به نظر برسد. این نیست. و به هر حال، این ما هستیم که در مورد از بین بردن MIC صحبت می کنیم، نه خود ارتش. (اما قابل ذکر است که بیشتر اعضای ارتش در واقع از جمله قربانیان MIC هستند.)

در حالی که سود برای مدت طولانی بخشی از جنگ بوده است، MIC یک پدیده نسبتاً جدید و پس از جنگ جهانی دوم است که به لطف یک سری انتخاب های انجام شده در طول زمان شکل گرفته است. مانند سایر فرآیندها، مانند سایر گزینه ها، می توان آنها را معکوس کرد و MIC را می توان از بین برد.

البته سوال این است که چگونه؟

ظهور یک هیولا:

برای مواجهه با آنچه که برای از بین بردن MIC لازم است، ابتدا لازم است بدانیم که MIC چگونه متولد شد و امروز چگونه به نظر می رسد. با توجه به اندازه و پیچیدگی شگفت انگیز آن، ما و تیمی از همکاران مجموعه ای از گرافیک ها را برای کمک به تجسم MIC و آسیب هایی که به آن وارد می کند، ایجاد کردیم که برای اولین بار به طور عمومی به اشتراک می گذاریم.

MIC پس از جنگ جهانی دوم، همانطور که **آیزنهاور** توضیح داد، از "پیوند یک نهاد نظامی عظیم" - پنتاگون، نیروهای مسلح، آژانس های اطلاعاتی، و دیگران - "و یک صنعت بزرگ تسلیحات" متولد شد. این دو نیرو، ارتش و صنعتی، با کنگره متحد شدند تا «مثلاً آهنین» نامقدسی را تشکیل دهند، یا چیزی که برخی از محققان معتقدند **آیزنهاور** در ابتدا و به طور دقیق تر آن را **مجتمع نظامی-صنعتی-کنگره** می نامید. این سه منبع تا امروز در قلب MIC باقی مانده اند و در چرخه ای از فساد قانونی محبوس شده اند.

سیستم اصلی به این صورت عمل می کند: **اول**، کنگره هر سال مبالغ گزافی از ما مالیات دهندگان می گیرد و به پنتاگون می دهد. **دوم**، پنتاگون، به دستور کنگره، بخش های هنگفتی از این پول را از طریق قراردادهای بسیار پرسود به سازندگان تسلیحات و سایر شرکت ها می سپارد و ده ها میلیارد دلار سود به آنها هدیه می دهد. **سوم**، آن پیمانکاران سپس از بخشی از سود برای لابی کردن کنگره برای قراردادهای بیشتر پنتاگون استفاده می کنند، که کنگره عموماً از ارائه آن ها هیجان زده است و یک چرخه به ظاهر بی پایان را تداوم می بخشد.

اما MIC پیچیده تر و موزیانه تر از این است. در سیستمی که عملاً یک سیستم رشوه خواری قا نونی است، کمک های کمپین به طور منظم به افزایش بودجه پنتاگون و تضمین اعطای قرارداد های سودآور تر کمک می کند، که اغلب به نفع تعداد کمی از پیمانکاران در یک منطقه یا ایالت کنگره است. چنین پیمانکارانی با کمک ارتش مجازی متشکل از بیش از (900) لابی گر مستقر در واشنگتن، پرونده خود را مطرح می کنند. بسیاری از آنها مقامات سابق پنتاگون یا اعضای سابق کنگره یا کارمندان کنگره هستند که از طریق یک "در گردان" استخدام شده اند که از توانایی آنها برای لابی کردن همکاران سابق استفاده می کند. چنین پیمانکارانی همچنین به اتاق های فکر و مراکز دانشگاهی که مایل به حمایت از افزایش هزینه های پنتاگون، برنامه های تسلیحاتی و سیاست خارجی بیش از حد نظامی هستند کمک مالی می کنند. تبلیغات راه دیگری برای پیشبرد برنامه های تسلیحاتی بر مقامات منتخب است.

چنین سازندگان تسلیحاتی همچنین تولید خود را در میان مناطق و دفاتر مختلف کنگره گسترش دادند و به سناتور ها و نمایندگان این امکان را می دهند که برای مشاغل ایجاد شده اعتبار درخواست کنند.

مشاغل MIC، به نوبه خود، اغلب چرخه های وابستگی را در جوامع کم درآمد ایجاد می کنند که محرک های اقتصادی کمی دارند و در واقع حمایت مردم محلی را می خردند. به نوبه خود، پیمانکاران به طور مرتب درگیر افزایش قیمت های قا نونی هستند و برای هر نوع تسلیحات و تجهیزات از مالیات دهندگان دریافت می کنند. در موارد دیگر، کلاهبرداری پیمانکار به معنای واقعی کلمه پول مالیات دهندگان را می دزدد. پنتاگون تنها آژانس دولتی است که هرگز حسابرسی را تصویب نکرده است - به این معنی که به معنای واقعی کلمه نمی تواند پول و دارایی های خود را پیگیری کند - با این حال هنوز بیشتر از مجموع هر آژانس دولتی دیگر از کنگره دریافت می کند.

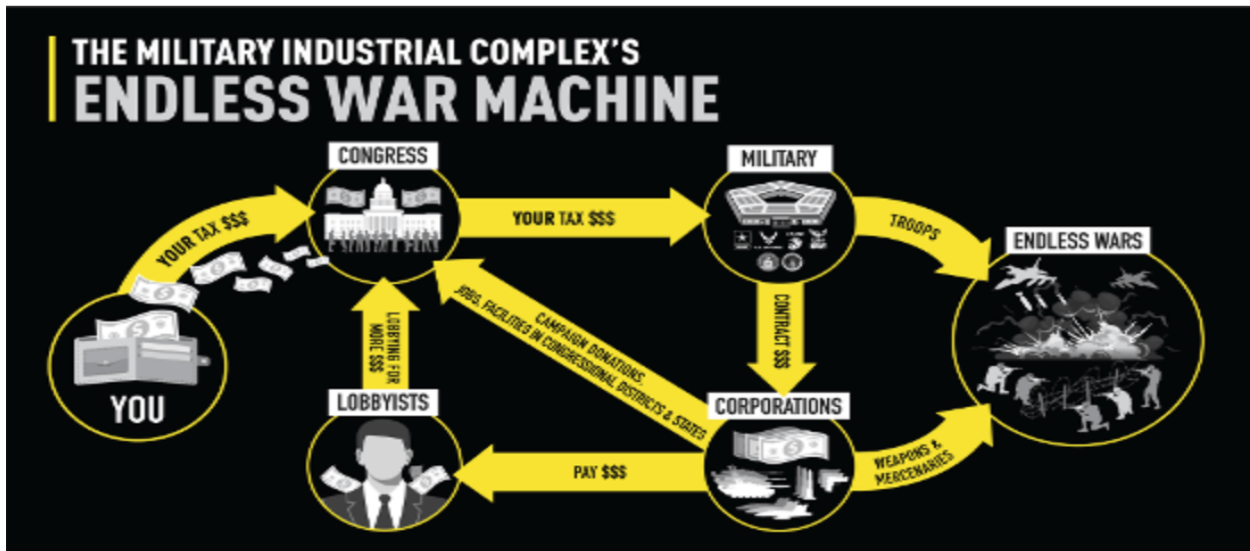
به عنوان یک سیستم، MIC تضمین می کند که هزینه های پنتاگون و سیاست های نظامی بر اساس جستجوی پیمانکاران برای کسب سود بیشتر و تمایلات اعضای کنگره برای انتخاب مجدد انجام می شود، نه با ارزیابی نحوه دفاع از کشور. ارتش حاصله به طور غیر قابل تعجبی نامرغوب است، به خصوص با توجه به پول خرج شده. آمریکایی ها باید دعا کنند که هرگز واقعاً مجبور به دفاع از ایالات متحده نشود.

هیچ صنعت دیگری - حتی شرکت های داروسازی عمده (big pharma) یا کمپنی ها و یا شرکت های نفت یا بیگ اویل (big oil) - نمی تواند با قدرت MIC در شکل دادن به سیاست ملی و تسلط بر هزینه ها برابری کنند. هزینه های نظامی، در واقع، در حال حاضر بزرگ تر از زمان اوج جنگ ها در ویتنام، افغانستان، یا عراق، یا در واقع هر زمانی پس از جنگ جهانی دوم است، علی رغم عدم وجود تهدید بی که از راه دور توجیه میکند. بسیاری ها اکنون متوجه شده اند که چنین هزینه ها در واقع هزینه های اند که ذینفع اصلی آن در بیش از «22» سال جنگ های بی پایان ایالات متحده در این

قرن، بخش صنعتی MIC بوده است که از سال 2001 صدها میلیارد دلار درآمد داشته است. "چه کسی در افغانستان پیروز شد؟ پیمانکاران خصوصی» از اینکه تیترا بسیار مناسب وال استریت ژورنال در سال 2021 بود.

جنگ های بی پایان، مرگ بی پایان، ویرانی بی پایان «

افغانستان» در آن تیترا می توانست جای خود را با کره، ویتنام یا عراق، در میان دیگر جنگ های به ظاهر بی پایان ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم بگیرد. اینکه MIC از آنها سود برده است تصادفی نیست. این کشور به کشمکش ها در کشورهای مختلف از کره، ویتنام، کامبوج، و لائوس، السالوادور، گواتمالا، پاناما و گرانادا، تا افغانستان، لیبی، سومالی و بسیاری دیگر کمک کرده است



تلفات و جراحات ناشی از چنین جنگ هایی به ده ها میلیون نفر رسیده است. تعداد تلفات تخمینی جنگ های پس از 11 سپتامبر در افغانستان، عراق، پاکستان، سوریه و یمن به طرز وحشتناکی مشابه با جنگ های ویتنام، لائوس و کامبوج است: 4.5 میلیون نفر.

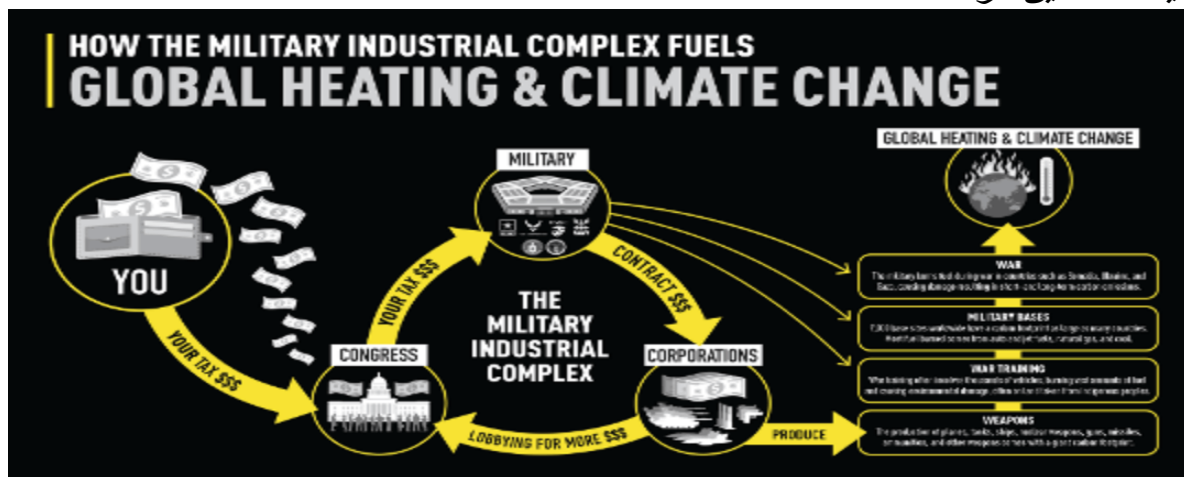
اعداد آنقدر بزرگ هستند که می توانند بی حس شوند. شاعر ایرلندی پادریگ تواما به ما کمک می کند تا به یاد داشته باشیم که بر روی موارد زیر تمرکز کنیم:

یک زندگی
 یک زندگی
 یک زندگی
 یک زندگی
 یک زندگی
 زیرا هر بار
 اولین بار است

که آن زندگی گرفته شده است.

عوارض زیست محیطی

آسیب MIC به آسیب های زیست محیطی اغلب جبران نا پذیر، شامل مسمومیت اکوسیستم ها، از دست دادن ویرانگر تنوع زیستی، و رد پای کربن توسط ارتش ایالات متحده، که بزرگتر از هر سازمان دیگری روی زمین است، گسترش می یابد. در جنگ یا در تمرینات روزانه، MIC به معنای واقعی کلمه گرمایش جهانی و تغییرات آب و هوایی را از طریق سوزاندن سوخت برای راه اندازی پایگاه ها، کار با وسایل نقلیه و تولید تسلیحات تامین کرده است.



هزینه های انسانی و زیست محیطی MIC به ویژه در خارج از قاره ایالات متحده نامرئی است. در قلمروهای ایالات متحده و دیگر «مناطق خاکستری» سیاسی، سرمایه گذاری در زیرساخت های نظامی و فناوری ها تا حدی به شهروندی درجه دوم جوامع بومی وابسته است، که اغلب برای امرار معاش خود به ارتش وابسته هستند.

جنگ های بی پایان در خانه

همانطور که MIC به جنگ های خارج از کشور دامن زده است، به نظامی سازی در داخل نیز دامن زده است به عنوان مثال، چرا نیروهای پلیس داخلی اینقدر نظامی شده اند؟ حداقل بخشی از پاسخ: از سال 1990، کنگره به پنتاگون اجازه داده است تا تسلیحات و تجهیزات "اضافی" خود (از جمله تانک ها و هواپیماهای بدون سرنشین) را به سازمان های مجری قانون محلی منتقل کند. این نقل و انتقالات به راحتی به پنتاگون و پیمانکارانش اجازه می دهد تا از کنگره برای خرید جایگزین بخواهند و این امر باعث تقویت بیشتر MIC می شود.

پیمانکاران به دنبال سودهای جدید از بازارهای جدید، به طور فزاینده ای محصولات نظامی خود را مستقیماً به تیم های SWAT و دیگر نیروهای پلیس، تجهیزات گشت مرزی و سیستم های زندان منتقل کرده اند.

سیاستمداران و شرکت‌ها میلیاردها دلار برای نظامی‌سازی مرزی و حبس‌های دسته‌جمعی ریخته‌اند که به ترتیب به رشد «مجتمع صنعتی-مرز» و «مجتمع صنعتی-زندان» سودآور کمک کرده‌اند. نظامی‌سازی داخلی به طور نامتناهی به جوامع سیاه‌پوست، لاتین‌تبار و بومی آسیب رسانده است.



یک تهدید وجودی

برخی از مجتمع‌های نظامی-صنعتی با اصرار بر اینکه ما به مشاغل آن نیاز داریم دفاع خواهند کرد. برخی با این ادعا که اوکراینی‌ها را زنده نگه می‌دارد و از بقیه اروپا در برابر روسیه ولادیمیر پوتین محافظت می‌کند. برخی با هشدار در مورد چین. هر یک از این استدلال‌ها نمونه‌ای از میزان تکیه قدرت MIC بر ایجاد سیستماتیک ترس، تهدید و بحران است که به غنای بازرگانان تسلیحات و سایرین در MIC از طریق افزایش هزینه‌های نظامی و جنگ کمک می‌کند (علی‌رغم یک رکورد تقریباً شکسته نشده شکست فاجعه بار در مورد تقریباً هر درگیری در ایالات متحده از زمان جنگ جهانی دوم).

این استدلال که سطوح فعلی هزینه‌های نظامی باید برای «شغل» حفظ شود، باید خنده دار باشد. هیچ نظامی نباید یک برنامه شغلی باشد. در حالی که کشور به برنامه‌های شغلی نیاز دارد، هزینه‌های نظامی ثابت کرده است که اشتغال زایی ضعیف یا موتور رشد اقتصادی است. تحقیقات نشان می‌دهد که نسبت به سرمایه‌گذاری‌های مشابه در مراقبت‌های بهداشتی، آموزش یا زیرساخت، مشاغل بسیار کمتری ایجاد می‌کند.

تسلیحات ایالات متحده به دفاع از خود اوکراین کمک کرده است، اگرچه سازندگان سلاح چیزی جز نوع دوست هستند. اگر واقعاً به اوکراینی‌ها اهمیت می‌دادند، از هر گونه سودی صرف نظر می‌کردند و پول بیشتری برای کمک‌های بشردوستانه به آن کشور باقی می‌گذاشتند. در عوض، آنها از این جنگ استفاده کرده‌اند، زیرا جنگ نسل‌کشی اسرائیل علیه غزه و تنش‌های فزاینده در اقیانوس آرام را برای افزایش بدبینانه سود و قیمت سهام خود به طور چشمگیری دارند.

هراس افکنی را کنار بگذارید و باید واضح باشد که ارتش روسیه ضعیف خود و ناتوانی خود را در تسخیر قاطعانه سرزمین‌های نزدیک مرزهای خود نشان داده است، چه رسد به لشکرکشی به اروپا. در واقع، ارتش روسیه و چین هیچ تهدید نظامی متعارفی

برای ایالات متحده ندارند. بودجه سالانه ارتش روسیه یک دهم یا کمتر از بودجه ایالات متحده است. بودجه نظامی **چین** یک سوم تا یک دوم اندازه آن است. اگر بودجه نظامی ایالات متحده را با بودجه نظامی **نا تو** و متحدان آسیایی آن ترکیب کنید، تفاوت ها بسیار بیشتر است.

با وجود این، اعضای MIC با کمک جنگ **پوتین** و تحریکات خود **چین**، به طور فزاینده ای درگیری مستقیم با روسیه و چین را تشویق می کنند. در "هند-اقیانوس آرام" (به قول ارتش)، MIC همچنان به تمویل پول نقد ادامه می دهد، زیرا پنتاگون پایگاه ها و نیروهای را در اطراف چین در استرالیا، گوام، ایالات فدرال میکرونزی، ژاپن، جزایر مارشال ایجاد می کند. جزایر ماریانا شمالی، پالائو، پاپوا گینه نو و فیلیپین.

چنین اقداماتی و افزایش مشا به در اروپا فقط **چین و روسیه** را تشویق می کند تا ارتش های خود را تقویت کنند. (فقط تصور کنید اگر چین یا روسیه یک پایگاه نظامی واحد در نزدیکی مرزهای این کشور بسازند، سیاستمداران آمریکایی چه واکنشی نشان خواهند داد.) در حالی که همه اینها به طور فزاینده ای برای MIC سودآور است، اما خطر یک درگیری نظامی را افزایش می دهد که می تواند مارپیچ شود. به یک جنگ هسته ای بالقوه که پایان دهنده همه گونه ها بین ایالات متحده و چین، روسیه یا هر دو.

فوریت برچین

فوریت برچین مجتمع نظامی-صنعتی باید روشن باشد. آینده گونه ها و سیاره به آن بستگی دارد.

بدیهی ترین راه برای تضعیف MIC این است که آن را از شر خون خود یعنی دلارهای مالیاتی خود محروم کنیم. تعداد کمی متوجه شدند که کریستوفر میلر، رئیس سابق پنتاگون در دوره ترامپ، پس از ترک قدرت، خواستار کاهش بودجه پنتاگون به نصف شد. بله نصف

حتی کاهش «30» درصدی هما نظور که خیلی کوتاه پس از پایان جنگ سرد در سال 1991 اتفاق افتاد - سالانه صد ها میلیارد دلار آزاد می کند. تصور کنید که چگونه چنین مبالغی می تواند زندگی ایمن تر، سالم تر و ایمن تر را در این کشور ایجاد کند، از جمله یک گذار اقتصادی عادلانه برای هر پرسنل نظامی و پیمانکارانی که شغل خود را از دست می دهند. و توجه داشته باشید، آن بودجه نظامی همچنان به طور قابل توجهی بیشتر از مجموع بودجه چین، یا روسیه، ایران و کره شمالی خواهد بود.

البته، حتی فکر کردن به کاهش بودجه پنتاگون نیز دشوار است، زیرا MIC هر دو حزب سیاسی را تسخیر کرده است و عملاً افزایش هزینه های نظامی را تضمین می کند. که ما را به پازل چگونگی از بین بردن MIC به عنوان یک سیستم باز می گرداند.

به طور خلاصه، ما روی پاسخ ها کار می کنیم. با گروه متنوعی از کارشناسانی که به تولید تصاویر گرافیکی این مقاله کمک کردند، در میان سایر ایده ها، کمپین های واگذاری و

دعاوی حقوقی را بررسی می کنیم. ممنوعیت سودجویی در جنگ؛ تنظیم یا ملی کردن سازندگان سلاح؛ و تبدیل بخش هایی از ارتش به نیروهای امدادی غیر مسلح، بهداشت عمومی و زیرساخت.

اگرچه بسیاری از ما همچنان معتقدیم که برچیدن MIC غیر واقعی است، با توجه به تهدیداتی که با آن روبرو هستیم، زمان آن رسیده است که تا حد امکان شجاعانه در مورد چگونگی عقب انداختن قدرت آن، مقاومت در برابر تصور ابداع شده مبنی بر اجتناب ناپذیر بودن جنگ، و ساختن فکر کنیم. جهانی که می خواهیم ببینیم همانطور که جنبش های گذشته قدرت Big Tobacco و بارون های راه آهن را کاهش داد، همان طور که برخی در حال حاضر با Big Pharma، Big Tech و مجتمع های صنعتی زندان روبرو می شوند، ما نیز باید MIC را برای ساختن جهانی متمرکز بر ساختن انسان بپذیریم. ثروتمند زندگی می کند (به تمام معنا) به جای اینکه بر بمب ها و سایر تسلیحات متمرکز باشد که برای عده معدودی که از مرگ سود می برند، ثروت می آورد.

سطری چندی در مورد نویسندگان این مقاله :

دیوید واین، عضو منظم TomDispatch و استاد مردم شناسی در دانشگاه آمریکا بی، نویسنده اخیراً کتاب ایالات متحده جنگ: تاریخ جهانی درگیری های بی پایان آمریکا، از کلمبوس تا دولت اسلامی است. او همچنین نویسنده کتاب ملت پایه: چگونه پایگاه های نظامی ایالات متحده در خارج از کشور به آمریکا و جهان آسیب می رسانند، بخشی از پروژه امپراتوری آمریکا است.



دیوید واین

ترزا (ایزا) آریولا استاد دیا رگروه جامعه شناسی و مردم شناسی در دانشگاه کنکوردیا است. او ریاست ثروت مشترک ما (OCW 670) 670 در سایپان را بر عهده دارد، یک گروه حمایت از جامعه که به تحقیق، آموزش و آگاهی در مورد برنامه ریزی نظامی در جزایر ماریانا اختصاص دارد. او در سایپان به دنیا آمد و بزرگ شد و یک زن بومی چامورو است. علایق تحقیقاتی او حول محور نظامی گری، بومی بودن، حاکمیت و اقیانوسیه است.



ترزا (ایزا) آریولا

----- با تقدیم احترامات «2024-06-16»

.....